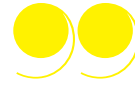


یکی از موارد دیگری که به او نسبت داده می شود، مشارکت او در تصمیم گیری برای سیاست خصمانه قرن بیستمی ایالات متحده در امریکای جنوبی بود. یکی از معروف ترین موارد کودتا علیه آلنده در شیلی ترتیب داده شد که دیکتاتوری خسارت بار پینوشه را در این کشور حکمفرما کرد



کسینجر شیطانی برای سراسر جهان

چنانچه گفته شد تمام اقدامات کسینجر که برای تاریخ امریکا افتخارآمیز محسوب می شود، روی دیگری هم دارد که برای دیگر جهانیان خسارت بار به نظر می رسد. به توافق پاریس بازگردیم؛ جایی که ایالات متحده موفق به توافق با ویتنام شمالی برای پایان دادن به مداخله امریکا در جنگ شد و کسینجر به دلیل این توافق جایزه صلح نوبل گرفت. با این حال به عقیده منتقدان کسینجر، او و دیگر رهبران امریکایی می توانستند همین توافق را سال ها قبل کسب کنند و از کشته شدن صدها نفر جلوگیری نمایند. در مورد حوادث مربوط به جنگ ویتنام، کسینجر همچنین متهم به نقض قوانین جنگی در مورد کشور کامبوج شده است. هدف کسینجر از تصمیم گیری در مورد حمله به کامبوج ریشه کن کردن کمونیست های ویتنامی بود. تلاش برای دستیابی به این هدف، به کشته شدن دست کم ۵۰ هزار نفر غیر نظامی منتهی شد! بر اساس اسناد انتشار یافته پنتاگون، کسینجر شخصاً ۳۸۷۵ حمله را که منجر به انفجار ۵۴۰ هزار بمب در کامبوج شد، تأیید کرده بود.

یکی از موارد دیگری که به او نسبت داده می شود، مشارکت او در تصمیم گیری برای سیاست خصمانه قرن بیستمی ایالات متحده در امریکای جنوبی بود. یکی از معروف ترین موارد کودتا علیه آلنده در شیلی ترتیب داده شد که دیکتاتوری خسارت بار پینوشه را در این کشور حکمفرما کرد.

چنانچه از مطالعه آثار کسینجر از جمله در کتاب جهان باز یافته - برمی آید و مترنیک را مورد احترام می شناسد. مترنیک، صدراعظم اتریش در قرن نوزدهم بود که نقش مهمی در قدرت و شکوه اتریش ایفا کرد. مترنیک نیز مانند تمام آنها که ماکیاولیستی در سیاست بین الملل به ایفای نقش پرداخته اند، بی توجه به آنچه عموم مردم می خواهند یا آن را اخلاق می نامند، اهداف خود را دنبال می کرد. اهدافی که آزادی و استقلال ملت های زیادی را زیر سؤال برد. در واقع «رسیدن به هدف آن هم به هر قیمتی که باشد» ویژگی اساسی مترنیک بود که بنظر می رسد کسینجر نیز در طول دوران قدرت از آن برخوردار بود. به همین دلیل هم منتقدان او حتی در خود امریکانیز او را به اتخاذ روش های ماکیاولیستی متهم می کنند.

امیال درونی آنها مورد بررسی قرار داد. بر همین اساس در مطالعه و تحلیل آثار کسینجر نیز، ناگزیر به توجه به این مسأله مهم هستیم. کسینجر جهان را چونان یک امریکایی، به نفع امیال ایالات متحده می دیده و به نحوی تفسیر کرده که رویکرد های امریکایی را معقول نشان دهد. چنانچه پژوهشگری بدون توجه به این مسأله به مطالعه کتاب های او بپردازد، بی شک دچار اشتباهاتی در تحلیل سیاست بین الملل خواهد شد. با این حال، کتاب های کسینجر شاهکارهایی در تاریخ و تئوری روابط بین الملل است. کتاب درباره چین و منبعی بی نظیر در شناخت ویژگی ها و اهمیت چین از زاویه دید امریکایی است و کتاب دیپلماسی او تاریخ را از منظر واقع گرایی سیاسی مورد بررسی قرار داده است که برای هر علاقه مندی به تاریخ روابط بین الملل منبعی غیر قابل اغماض است. یکی از بهترین کتاب های او با عنوان نظم جهانی، به بررسی تغییر و تحول نظام بین الملل از زاویه دید ملل مختلف و نقش و اثر گذاری آنها پرداخته است. به عقیده کسینجر در کتاب نظم جهانی، از میان کشورهای خاورمیانه، ایران منسجم ترین مفهوم از ملیت را دارد و رهبران آن به دنبال براندازی نظم جهانی و جایگزین نمودن نظم عادلانه هستند. نکته با اهمیت دیگر در بررسی زندگی کسینجر که در آثار او هم متجلی شده بود، توجه او به نیاز های جامعه علمی است. برای مثال هوش مصنوعی و اثرات احتمالی این پدیده در سال های پیش رو، چیزی است که توجه بسیاری از اندیشمندان علوم مختلف را به خود جلب کرده است. اما کسینجر از معدود اندیشمندان حوزه روابط بین الملل بود که تحقیقات خود را در سال های اخیر به این مهم اختصاص داد. او با همکاری چند تن از پژوهشگران دیگر کتابی با عنوان عصر هوش مصنوعی نوشت و در پژوهش های خود از خطرات و زوایای احتمالی توسعه هوش مصنوعی سخن گفت. به هر ترتیب نمی توان از یاد برد که کسینجر با وجود تمام جنایاتی که می توان به او منتسب کرد، از نوابغ تکرار نشدنی در دانش و عمل سیاست جهان محسوب می شد.

این کشور بدل می کند. لازم به تکرار است، اقدامات به ظاهر صلح جویانه کسینجر - صرف نظر از زاویه دید امریکایی - در عالم واقع چندان هم صلح طلبانه نبود. هر کدام از اقداماتی که در سطرهای پیشین به عنوان اقدامات مهم کسینجر از آن یاد شده، و جوهی قدرت طلبانه و به نفع امیال سلطه جویانه ایالات متحده دارد. با این حال، کمک کسینجر به سلطه طلبی ایالات متحده به اقدامات مذکور محدود نمی شود.

کسینجر در مقام اندیشمند روابط بین الملل

کسینجر البته که تنها یک سیاستمدار نبود. دانشجویان زیادی در سراسر جهان تحت تأثیر نظریات او پیرامون واقع گرایی سیاسی قرار گرفته اند. در واقع کسینجر کسی است که نظریه واقع گرایی را با پشتوانه علمی خود به طرز واضحی به صحنه عمل کشاند. اگر چه در طول تاریخ روابط بین الملل افراد زیادی با نگرش های رئالیستی حکمرانی کرده اند، کسینجر از معدود اندیشمندانی بود که به مقام اجرایی رسید و ایده های علنی خود را اجرایی کرد. چنانچه پیشتر تشریح شد، کسینجر از جمله اثرگذار ترین افراد در بهبود روابط چین و امریکا شناخته می شود. این واقعه البته پشت پرده ای غیر صلح آمیز هم دارد. کسینجر به عنوان صاحب نظری در پارادایم رئالیستی یکی از نظریات اساسی این مکتب یعنی موازنه قوا را در برقراری روابط چین و امریکا اجرایی کرده بود. بر این اساس نفوذ امریکا در کشوری به پهنای چین در همسایگی شوروی ضربه مهمی به قدرت روس ها در نظام بین الملل محسوب می شد. بسیاری از تحلیلگران یکی از عوامل مهم و اثرگذار در فروپاشی شوروی را همین نزدیکی چین به ایالات متحده می دانند. بنابراین، در چنین واقعه عظیمی نیز نه گسترش روابط صلح آمیز در جهان که منافع ایالات متحده اثرگذار بود.

به هر روی نباید فراموش کرد که آثار و نظرات هیچ یک از اندیشمندان حوزه های سیاسی را نمی توان بدون در نظر گرفتن

کمپ دیوید که به صلح مصر و اسرائیل و در پی آن دیگر کشورهای عربی با اسرائیل منتهی شده بود، در حال حاضر، مسبب بخش مهمی از فجایعی است که در مورد فلسطین رخ می دهد. او در روزهای پایانی عمر خود نیز حماس و مقاومت فلسطینی را پس از اتفاقات هفت اکتبر محکوم کرده بود تا نشان دهد همچنان حامی سرسخت اسرائیل محسوب می شود.

در آن سوی جهان و در شرق آسیا نیز، کسینجر بود که مقدمات قرارداد پاریس را که به جنگ ویتنام پایان داد، فراهم کرد. هر چند کسینجر برای قرارداد پاریس جایزه صلح نوبل گرفت، اما تردیدی نیست که در انعقاد این توافق نیت های بشردوستانه نقشی نداشت. در واقع قرارداد صلح منعقد شده بود تا از تداوم خسارت های جنگ ویتنام برای ایالات متحده بکاهد. بنابراین، نقاط عطف مهمی در تاریخ ایالات متحده متأثر از نقش کسینجر است که تمام عمر سیاسی خود را صرف خدمت به منافع امریکا کرده بود.

با وجود همه موارد ذکر شده، حال شاید مهم ترین خدمت کسینجر را بتوان در موضوع چین مشاهده کرد. با وقوع انقلاب کمونیستی مانو در چین، دولت ملی چین به تایوان فرار کرد. رابطه دولت امریکا هم با دولت ملی چین در تایوان ادامه یافت و امریکایی ها از به رسمیت شناختن دولت کمونیستی چین که به مرکزیت پکن حکمرانی می کرد، سر باز زدند. این روند ادامه یافت تا زمانی که به واسطه دیپلماسی کسینجر با نخست وزیر چین - که از گسل در روابط چین و شوروی بموقع بهره جسته بود - دولت امریکا دولت کمونیستی پکن را در سال ۱۹۷۱ به رسمیت شناخت. از این واقعه، یعنی صلح چین و امریکا همچنان به عنوان یکی از افتخارات دیپلماتیک تحت مدیریت کسینجر یاد می شود. همین شاهکار کسینجر موجب شده تا او احترام زیادی نزد چینی ها داشته باشد که در سفر سال اخیر او به چین مشهود بود. البته، به رسمیت شناختن چین و همکاری با آن که کسینجر معمار آن محسوب می شد، در سال های پس از فروپاشی شوروی به یکی از نقطه ضعف های کنونی دولت امریکا منجر شده است؛ مسأله ای که از آن به عنوان پدیده ظهور چین یاد می شود. خود کسینجر در این رابطه می گوید: «احتمالاً این نقصی در فهم و درک ما بود که نتوانستیم پیش بینی کنیم یک کشور در حال توسعه به سرعت به رقیب ما بدل می شود.»

آنچه به آن اشاره شد، تنها بخشی از اقدامات مهم دیپلماتیک و مسالمت آمیز کسینجر بود که اثرات قابل توجهی در جهان کنونی داشته است؛ اقداماتی که کسینجر را از زاویه دید یک امریکایی به فرشته ای در تاریخ



کسینجر البته که تنها یک سیاستمدار نبود. دانشجویان زیادی در سراسر جهان تحت تأثیر نظریات او پیرامون واقع گرایی سیاسی قرار گرفته اند. در واقع کسینجر کسی است که نظریه واقع گرایی را با پشتوانه علمی خود به طرز واضحی به صحنه عمل کشاند

